

مأموریت بزرگ

درس ۴، ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که حکم کرده‌ام حفظ کنند

آخرین باری که با هم بودیم، آیه‌ی ۱۹ از مأموریت بزرگ رو بررسی کردیم که عیسی می‌گه «بروید.» «پس رفته، همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح‌القدس تعمید دهید.» حالا قبل از اینکه به بخش اول آیه‌ی ۲۰ بپردازیم، می‌خوام به‌طور خلاصه به اهمیت دعوت مسیح به ملت‌ها توجه کنید.

قبلاً اثبات کردیم و در نظر گرفتیم که چطوری باید به ملت‌ها بریم؛ اما باید این رو هم در نظر بگیریم که در بخش‌های زیادی از دنیای امروز، ملت‌ها به‌طرف ما اومدند. حتی ما که این‌جا در فلوریدای مرکزی هستیم، ملت‌ها رو در اطرافمون داریم. افرادی از هر قبیله، زبان و ملت نزدیک‌مون هستند و دسته‌دسته میان.

پس درحالی‌که همچنان باید مردم رو بفرستیم، حمایت کنیم، بسیج کنیم، تعلیم بدیم و تجهیز کنیم که برن و به‌طرف ملت‌ها و قوم‌های بشارت‌نیافته فرستاده بشن؛ اما همچنان باید این رو به طریق‌های بسیار در نظر بگیریم که ملت‌ها در اطراف ما هستند. پس درحالی‌که باید هر دو کار رو انجام بدیم، باید این رو هم بدونیم که کسانی که در بخش‌های اصلی کلان‌شهرها هستند؛ حتی صراحتاً در بسیاری از شهرهای کوچک سراسر اروپا و ایالات‌متحده هستند؛ بسیاری از خارجی‌ها و عده‌ی زیادی هرگز انجیل رو نشنیدند.

همچنین برای ما که در ایالات‌متحده‌ایم و تقریباً در هر گوشه یه کلیسا هست، مهمه که بدونیم فقط به‌خاطر این‌که در هر گوشه یه کلیسا هست، به این معنا نیست که انجیل در هر گوشه اعلام شده؛ مخصوصاً این روزها. خیلی جاها، خیلی کلیساها و بسیاری از منبرهای موعظه که قبلاً انجیل کتاب‌مقدسی عیسی مسیح رو اعلام می‌کردند، مشورت کامل خدا رو تعلیم می‌دادند، دیگه این کار رو نمی‌کنند.

پس در واقع، از نو به افراد غیرکلیسایی و جدا شده از کلیسا بشارت می‌دیم؛ و به کسانی که هرگز انجیل عیسی مسیح رو نشنیدند. من دائماً شگفت‌زده می‌شم، حتی در ۱۰ یا ۲۰ سال گذشته که تغییرات زیادی در امریکا ایجاد شده، وقتی به‌سراغ مردم می‌ریم، دیگه نمی‌تونیم فرض کنیم که اون‌ها عیسی رو می‌شناسند. دیگه نمی‌تونیم فرض کنیم که اون‌ها انجیل رو می‌شناسند، حتی کسانی که به کلیسا میرن.

شاید واقعاً انجیل رو درک نکنند. شاید در واقع هرگز انجیل رو نشنیده باشند. قطعاً داستان‌هایی رو درباره‌ی عیسی شنیدند، شاید تعالیمی رو درباره‌ی عیسی شنیدند، شاید درباره‌ی اخلاقیاتش، بعضی از

تعالیمش شنیدند، اما هرگز انجیل عیسی مسیح رو نشنیدند؛ این اعلامیه‌ی پیروزمندانه و اعلام کارهایی که خدای تثلیث از طریق مسیح و با قدرت روح انجام داده. پس درحالی که همیشه باید در حال رفتن به سوی ملت‌ها، رفتن به سوی افراد بشارت‌نیافته باشیم، فراخوانده شدیم که به سراغ اطرافیان مون بریم، به همسایگان مون، حتی کسانی که به اصطلاح کلیساهایی هستند که دیگه حقیقت بی‌پیرایه‌ی کلام خدا رو اعلام نمی‌کنند.

پس در توجه به ملت‌ها، مهمه که بدونیم مسیح تحقق چیزهایی هست که کتاب مقدس پیشگویی کرده، چون این به عهد خدا با ابراهیم و وعده‌ی خداوند به ابراهیم در پیدایش باب ۱۲ وابسته‌اس. با من به اون جا برید، فقط به طور مختصر خواهیم دید که در پیدایش باب ۱۲، در آغاز این باب، وقتی خداوند از ابرام دعوت می‌کنه، فراموش نکنید که ابرام یه بت‌پرستِ اهل اور کلدانیان بود. ابرام در جستجوی خدا نبود، به دنبال خدا نبود، به دنبال مسائل خدا نبود. ابرام دشمن سرکش خدا در بین یه قوم بت‌پرست بود؛ و خداوند طبق معمول، ابرام رو صدا می‌کنه. او پیش قدم می‌شه. او به سراغ ابرام رفت و نجاتش داد.

بینید در پیدایش ۱۲، آیات ۱ تا ۳ چی می‌خونیم: «و خداوند به ابرام گفت: «از ولایت خود، و از مولد خویش و از خانه پدر خود بسوی زمینی که به تو نشان دهم بیرون شو، و از تو امتی عظیم پیدا کنم و تو را برکت دهم، و نام تو را بزرگ سازم، و تو برکت خواهی بود.»

و برکت دهم به آنانی که تو را مبارک خوانند، و لعنت کنم به آن که تو را ملعون خوانند. و از تو جمیع قبایل جهان برکت خواهند یافت.» این زیبا نیست؟ می‌دونید، کسانی که به کتاب مقدس نگاه می‌کنند و فکر می‌کنند خدا فقط به فکر ملت‌های عهدجدیده، واقعاً عهدعتیق رو نخوندند و مطالعه نکردند.

ما از آغاز تا پایان عهدعتیق می‌بینیم که خداوند به فکر ملت‌هاست. او از ابرام دعوت می‌کنه و بهش می‌گه چی کار کنه؟ برو. خداوند می‌گه از طریق ابرام می‌خواد یه ملت بسازه و از طریق او، همه‌ی ملت‌ها و خانواده‌های زمین برکت خواهند یافت.

حالا بی‌دلیل نیست که متی گزارش انجیلش رو با شجره‌نامه شروع می‌کنه. توجه کنید که متی با این شجره‌نامه، ما رو کجا می‌بره. متی با نظارت روح القدس، نه تنها ما رو به داود برمی‌گردونه، بلکه به ابراهیم برمی‌گردونه. به ما یادآوری می‌کنه که عیسی، مسیحایی که مدت‌ها منتظرش بودند، از ذریت ابراهیم میاد. همچنین انجیل متی، اشتباهاً با یه مأموریت بزرگ تموم نمی‌شه، مأموریتی که به طرز چشمگیری شبیه مأموریتی هست که خداوند با دعوت از ابرام در پیدایش ۱۲ بهش داد: «برو». ملت‌ها، همه‌ی خانواده‌های زمین برکت خواهند یافت. متی که تاریخ‌دان کتاب مقدسی تحصیل کرده و دقیق یهودی بود، به ما نشون می‌ده که مسیح، تحقق عهد ابراهیمی هست، او ابراهیم بزرگ‌تر و حقیقی هست.

در مسیح، ملت‌ها بشارت می‌یابند. در مسیح و از طریق تحقق این مأموریت بزرگ، همه‌ی خانواده‌های زمین برکت خواهند یافت.

این شگفت‌انگیز نیست؟ خدا چطور از ما استفاده می‌کند و دعوت می‌کند که در این مأموریت بزرگ شرکت کنیم و بریم؛ و از یه لحاظ، این وعده‌ی اولیه در عهد خداوند با ابرام رو گسترش داده و به تحقق برسونیم.

ما یه سهمی داریم. با رفتن، فرستادن، بسیج کردن، حمایت کردن، برخیزانیدن، منتشر کردن، هدایای فداکارانه، در وعده‌ی اولیه‌ی خداوند به ابراهیم برای برکت خانواده‌های روی زمین سهیم می‌شیم. ما عضوی از این ملت هستیم، به‌عنوان قوم خدا به دنیا می‌ریم، حتی وقتی دنیا به طرف ما میاد.

ما این ملتی هستیم که خدا نجات و فدیة داده و از آن خودش می‌دونه، ما به سراسر دنیا می‌ریم تا خبر خوش انجیل عیسی مسیح رو اعلام کنیم.

همچنین مهمه که اشاره کنیم عیسی در فراخواندن اون‌ها برای رفتن، به‌وضوح صحبت می‌کند. وقتی در پایان انجیل لوقا درباره‌ی این می‌خونیم، در گزارش مشابه مأموریت بزرگ، جایی که عیسی بهشون می‌گه برن، اما قبل از رفتن بهشون می‌گه صبر کنند، در شهر صبر کنند؛ یعنی در اورشلیم صبر کنند تا از اعلی با قدرت مُلَبَّس بشن؛ یعنی «وقتی روحم رو بر شما ریختم، برید.» خداوند با تحقق نبوت یوئیل، بابل رو وارونه کرد؛ خداوند روحش رو بر کلیسا می‌ریزه؛ و در این زمان، شاگردان و کلیسا باید به همه‌ی ملت‌ها برن؛ بعد از دریافت عمل قدرت‌بخش روح‌القدس برای انجام کار او؛ بعد از این که با قدرت از اعلی مُلَبَّس شدند.

می‌بینید، عزیزان، ما نمی‌تونیم با قدرت خودمون بریم؛ باید با قدرت روح بریم. روح‌القدس به ما توانایی و قدرت می‌ده. او ما رو سرزنده می‌کند. به ما انگیزه‌ی دائمی برای رفتن می‌ده. پیشاپیش ما می‌ره و قلب‌ها و فکرها رو آماده می‌کند که انجیل رو دریافت کنند، تا وقتی ما اونو اعلام می‌کنیم، به‌موقع و طبق اراده و زمان خدا، نه اراده و زمان ما، روح، تولده تازه می‌ده. روح، کسانی رو که به خداوند تعلق دارند، از آن خودش می‌کند. وقتی می‌ریم، روح پیشاپیش ما می‌ره.

موضوع دیگه که باید در نظر بگیریم، اینه که عیسی از ما دعوت می‌کند که بریم، او تا حدودی از هر یک از ما دعوت می‌کند که بریم، نه تنها در محدوده‌ی محلی، بلکه بعضی از ما به قلمروهای بین‌المللی می‌ریم. بعضی به دورترین بخش‌های دنیا و دورافتاده‌ترین روستاها می‌ریم؛ جایی که کلام مسیح و کلام خدا شناخته نشده؛ اما باید در نظر داشته باشیم که هر مسیحی از تاریکی به نور شگفت‌انگیز خداوندمون فراخوانده شده. به‌محض این که خداوند از ما دعوت می‌کند، به‌محض این که خداوند ما رو وارد می‌کند، بهمون می‌گه چی کار کنیم؟ می‌گه به تاریکی برگردیم و بدرخشیم.

ما با چی می‌درخشیم؟ با انجیل خدا و تعلیم کلام خدا می‌درخشیم. عیسی در باب ۲۸، آیه‌ی ۲۰ از متی اینو به ما می‌گه: این که شاگردسازی شامل تعمید و تعلیم دادنه. تعلیم دادن، یکی از عبارات وابسته هست که قبلاً بهش پرداختیم.

تعلیم دادن، بخش و جزئی از مفهوم شاگردسازی هست. به کلام عیسی در متی ۲۸، آیه‌ی ۲۰ نگاه کنید. ما می‌خونیم، «و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند.» تعلیم. یعقوب به ما می‌گه و هشدار می‌ده؛ در یعقوب ۱:۳، «ای برادران من، بسیار معلم نشوید.»

این معلم‌ها سخت‌تر داوری خواهند شد؛ معلم‌ها باید بیشتر پاسخگو باشند. حالا یعقوب مقام معلم رو در نظر داشت. پولس به‌وضوح در افسسیان باب ۴ می‌گه کسانی که برای کشیشی یا شبانی فراخوانده شدند، معلم هم هستند.

عبارت «شبانان و معلمان» یا «کشیشان و معلمان»، هندیادیس هست، دو اسمی که درباره‌ی عنوان یکسانی صحبت می‌کنند. پس کشیش‌ها، معلم هستند. تعلیم و موعظه، یک وجه از کار ما به‌عنوان کشیشه. این وجه حیاتی و وجه مهم کار ماست؛ اما باید بگم این فقط یک وجه از کار ماست. ما مهم‌تر از هر چیزی، شبان هستیم. مهم‌تر از هر چیزی، مُدرّس نیستیم؛ حتی واعظ هم نیستیم. موعظه و تعلیم، بخشی از کار ماست، اما کل کار ما نیست. ما فراخوانده شدیم که شبانی کنیم، فراخوانده شدیم که خدمت کنیم، فراخوانده شدیم که گوش کنیم، فراخوانده شدیم که مشورت بدیم، فراخوانده شدیم که همراهی کنیم. فراخوانده شدیم که در تأدیب کلیسایی شرکت کنیم، فراخوانده شدیم که آیین‌های کلیسایی تعمید و شام خداوند رو برگزار کنیم. فراخوانده شدیم که دعا کنیم.

تعلیم و موعظه، یه وجه از این کاره، اما وجه حیاتی هست، پس ما به معلمانی که مستعد تعلیم هستند، نیاز داریم. به معلمانی که واجد شرایط تعلیم هستند، نیاز داریم. به معلمانی که تربیت شدند، نیاز داریم؛ نه با رفتن به دانشکده‌ی الهیات و صرفاً با گرفتن یه مدرک، بلکه به دانشکده‌ی الهیات برن و یاد بگیرند و مطالعه کنند تا خودشون رو اثبات کنند. نه این که سعی کنند به‌سرعت به دانشکده‌ی الهیات برن و فارغ‌التحصیل بشن تا صرفاً بتونند یه مدرک بگیرند که به دیوار بزنند، بلکه وقت بذارن و مطالعه کنند و تعلیم کتاب مقدس، آموزه‌ی کتاب مقدس، زبان کتاب مقدس، تاریخ کتاب مقدس و تاریخ کلیسا رو بررسی کنند. تا مردان خدا تجهیز بشن که بتونن تعلیم بدن؛ و بیشتر پاسخگو باشند.

اما از یه لحاظ، هر مسیحی در تعلیم دادن شرکت می‌کنه. هر مسیحی در تعلیم دادن به دیگران شرکت می‌کنه. هر مسیحی در تعلیم دادن در خانه؛ و گاهی اوقات در کلیسا شرکت می‌کنه. خواه برای مطالعه‌ی کتاب مقدس باشه یا کلاس‌های کانون شادی یا حتی راهنمایی و شاگردسازی تک‌نفره؛ هر مسیحی تا حدودی تعلیم می‌ده. توجه کنید که عیسی می‌گه «تعلیم دادن». نمی‌گه «شهادت دادن»، اگرچه این

می‌تونه مفید باشه؛ و غالباً در تعلیم و اعلام انجیل مهمه، اما شهادتمون، انجیل نیست. ما فراخوانده شدیم که تعلیم بدیم، نه این که داستان بگیم، نه این که صرفاً پیغام‌ها یا جلسات مطالعه‌ی کتاب مقدس رو با داستان‌های اجتماعی-فرهنگی یا روانشناسی محبوب مردم پُر کنیم. ما فراخوانده نشدیم که پیغام‌ها و تعالیمون رو صرفاً با مکالمه پُر کنیم. ما فراخوانده شدیم که تعلیم بدیم. به جلسه‌ی پرستش یا مطالعه‌ی کتاب مقدس نمی‌رییم، یه آیه نمی‌خونیم و صرفاً از همه نمی‌پرسیم که «خُب، این برای شما چه مفهومی داره؟»

ما با آمادگی می‌رییم که تعلیم بدیم؛ مطالعه کردیم، مجهز شدیم، آماده‌ایم که کلام خدا رو مطابق تعالیم کلام خدا به مردم بدیم، نه مطابق تصورات خودمون. پس فراخوانده شدیم که تعلیم بدیم. فراخوانده شدیم که راهنمایی کنیم. فراخوانده شدیم که به مردم کمک کنیم که درک کنند؛ این، بدین معناست که باید به خوبی مطالعه کنیم تا تجهیز بشیم، نه برای این که مردم رو تحت تأثیر قرار بدیم، نه برای این که از کلمات بزرگ استفاده کنیم، صرفاً برای این که دیگران ما رو تحسین کنند، یا ما خیلی باهوش هستیم، بلکه با عمق بیشتری مطالعه می‌کنیم تا بتونیم مطالب رو ساده کنیم تا مردم بتونند تعلیم ما رو درک کنند. ما با کودکان این کار رو می‌کنیم، با همدیگه هم این کار رو می‌کنیم، همون طور که مسیح با شاگردانش این کار رو کرد.

اما توجه کنید که عیسی می‌گه نه فقط بهشون تعلیم بدید، بلکه می‌گه چه تعلیمی بدید: «ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند.» حالا عده‌ی زیادی، وقتی از مأموریت بزرگ نقل قول می‌کنند، معمولاً به این بخش از مأموریت بزرگ می‌رسند؛ گوش کنید، من چند هفته پیش اینو شنیدم، در واقع، وقتی مردم از مأموریت بزرگ نقل قول می‌کنند، بخش خاصی از اونو حذف می‌کنند. ببینید می‌تونید تشخیص بدید. «ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام.» چه بخشی رو حذف کردم. یکی از مهم‌ترین بخش‌های مأموریت بزرگ رو حذف کردم.

اما غالباً در بازگویی یا نقل قول مأموریت بزرگ اینو می‌شنویم؛ اما عیسی فقط نگفت، «ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام؛ او گفت، «تعلیم دهید که آنرا حفظ کنند.» حالا این کلمه خیلی مهمه. بعضی از ترجمه‌ها، این کلمه رو «حفظ کردن» ترجمه نکردند، بلکه «نگه‌داشتن» یا «اطاعت کردن» ترجمه کردند. همه‌ی این‌ها فحواهای صحیحی برای این اصطلاح در زبان یونانی هستند.

خُب، یه فحوای مهم دیگه هم در این کلمه‌ی یونانی هست که باید درک کنیم که این کلمه یعنی «نگهبانی کردن». در واقع، در بخش‌های دیگه‌ی عهدجدید این‌طور ترجمه شده، حتی در اعمال، از زندان نگهبانی کردند. پس این اصطلاح «حفظ کردن، نگه‌داشتن، اطاعت کردن»، فحوای «نگهبانی کردن» از یه چیز رو هم در برداره. پولس به تیموتائوس می‌گه از ودیعه‌ای که بهش سپرده شده، نگهبانی کنه.

وقتی به ملت‌ها تعلیم می‌دیم که حفظ کنند، در واقع تعلیم می‌دیم که اطاعت کنند. تعلیم می‌دیم که این چیزها رو نگه دارند، این چیزها رو بدونند و این‌ها رو در کل زندگی شون انجام بدن. فقط یه سری چیزها رو بهشون یاد نمی‌دیم که خودپسند بشن؛ این چیزها رو تعلیم می‌دیم که قلب‌های بزرگی داشته باشند و زندگی شون از آموزه‌ها و همه‌ی چیزهایی که یاد گرفتند، پُر بشه. فقط بهشون تعلیم نمی‌دیم که با زبانشون خدمت کنند.

بهشون تعلیم می‌دیم که در کل زندگی مطابق این چیزها زندگی کنند. پس کلام خدا واضحه. باید به قوم خدا تعلیم بدیم که نگه دارند و حفظ کنند. شاگرد، صرفاً کسی نیست که ایمان داره؛ شاگرد، ایمان داره و این ایمان، این ایمان حقیقی، او رو به‌سوی زندگی ثمربخش و پیروی از خداوند عیسی مسیح هدایت می‌کنه؛ اما این فحوای دوم در این اصطلاح خیلی مهمه، این طور نیست؟ بهشون تعلیم بدید که نگرهبانی کنند، تعلیم بدید که نگه دارند و نگرهبانی کنند. کتاب مقدس به ما می‌گه باید کلام خدا و آموزه‌ی خدا رو درک کنیم. به ما می‌گه باید ایمانی رو که بهمون منتقل شده، یاد بگیریم. همچنین به ما می‌گه باید برای این ایمان مجاهده کنیم، ایمانی که قبلاً به مقدسین داده شد؛ چنان‌که یهودا در یهودا ۳ می‌نویسه. ما باید صادقانه برای این مجاهده کنیم.

باید ارزش نگرهبانی کنیم، باید حد و حدودی رو تعیین کنیم و دیوارها و حصارهای ضروری رو بسازیم، باید از چیزی که خدا برامون نگه‌داشته، نگرهبانی کنیم. یکی از طریق‌های انجام این کار، از طریق اعتقادنامه‌ها و اعترافات. ما حد و حدود تعیین می‌کنیم. می‌گیم، «ایمان داریم که کلام خدا این تعلیم رو می‌ده و می‌خوایم ارزش نگرهبانی کنیم، می‌خوایم نگهش داریم، می‌خوایم حد و حدودی رو برایش تعیین کنیم تا تعلیم غلط، خطا و بدعت نتونه مخفیانه وارد بشه؛ و باید حتی مشتاق باشیم که زندگی مون رو فدای اون کنیم.» ما فراخوانده شدیم که از کلام خدا و آموزه‌ی خدا نگرهبانی کنیم، نگه داریم، حفظ کنیم، نه فقط به‌خاطر خودمون، نه فقط برای نجات خودمون، بلکه برای نسل بعدی. پس عیسی می‌گه، «بهشون تعلیم بدید که حفظ کنند، اطاعت کنند و نگرهبانی کنند، از همه‌ی فرامین من. نه فقط بعضی از فرامین من.»

می‌گه، «همه‌اموری را که حکم کردم. بهشون تعلیم بدید که همه‌ی چیزهایی رو که به شما گفتم، همه‌ی چیزهایی رو که تعلیم دادم، حفظ کنند.»

حالا، عیسی چه تعلیمی داد؟ عیسی چه فرمانی داد؟ فرمان او نه‌تنها در متی برامون ثبت شده، نه‌تنها در همه‌ی اناجیل ثبت شده، بلکه از یه لحاظ در کل کتاب مقدس ثبت شده، چون عیسی تحقق کل کتاب مقدسه. او «بله» و «آمین» همه‌ی وعده‌های خدا در کتاب مقدسه.

عیسی، شریعت یا انبیا رو منسوخ نکرد؛ او برای تحقق اون‌ها اومد. پس ما فراخوانده شدیم که بریم و تعلیم بدیم؛ نه صرفاً انجیل، گزارش اناجیل و چیزی که از اناجیل انتخاب می‌کنیم، بلکه باید بریم و به ملت‌ها تعلیم بدیم که همه‌ی اموری رو که مسیح در کل کتاب مقدس فرمان داده، حفظ کنند.

به همین دلیل اعلام تمام اراده‌ی خدا، بسیار حیاتی هست. ما فراخوانده شدیم که بریم و کلام خدا رو به مردم بدیم. باید مرتباً انجیل خدا رو بهشون یادآوری کنیم، درحالی‌که می‌بینیم انجیل خدا در سراسر کتاب مقدس به‌طور برجسته می‌درخشه، از پیش خبر می‌ده، اشاره می‌کنه و در سراسر کتاب مقدس به تحقق می‌رسه. عیسی می‌گه، «من اینها رو فرمان دادم. نه فقط یه پیشنهاد، گزینه، بلکه چیزهایی که فرمان دادم.» حالا کار سخت برای اکثر ما و اکثر مسیحیان و اکثر کلیساها اینه که فراخوانده شدیم که وفادارانه به ملت‌ها تعلیم بدیم که همه‌ی اموری رو که مسیح حکم کرده، حفظ کنند. این کلمه‌ی کوچیک در این جا جالبه. «همه‌چیز؛ هر حکمی که دادم.» کل این مطلب، همه‌ی چیزهایی که در برمی‌گیره.

آیا عیسی فقط انجیل رو تعلیم داد؟ فقط خبر خوشی رو تعلیم داد که به‌خاطرش اومده بود؟ نه. او تمام کلام خدا رو تعلیم داد. به ملت‌ها تعلیم دهید که همه‌ی فرامین مسیح رو حفظ کنند، یعنی بهشون تعلیم بدید که به همسایه‌شون محبت کنند؛ یعنی به دشمنشون محبت کنند، برای جفادیدگان دعا کنند؛ یعنی به ملت‌ها تعلیم بدیم که چطوری پاک و پرهیزکار باشند، نه‌تنها در ظاهر، بلکه در قلبشون. ما باید بریم و تعلیم بدیم و ملت‌ها رو با همه‌ی اموری که مسیح فرمان داده، شاگرد بسازیم و این شامل الگوی او از کلام خدا، شریعت خدا و همه‌ی تعالیم کتاب مقدس هم می‌شه. این‌که بریم و درحالی‌که به‌سوی ملت‌ها می‌ریم، در پی قدم‌های او بریم، به‌عنوان نور در دنیا بدرخشیم، نور مسیح رو منعکس کنیم، بریم و همه‌ی فرامین او رو تعلیم بدیم، به مردم تعلیم بدیم که اون‌ها رو حفظ کنند، نگه دارند، تا بتونند به فرزندان‌شون منتقل کنند.

مشکلی که برای دهه‌های بسیار و حتی قرن‌های بسیار اتفاق افتاده، اینه که عده‌ی زیادی رفتند و بخش‌های خاصی از کتاب مقدس رو تعلیم دادند یا صرفاً انجیل رو تعلیم دادند. با انجام این کار در ملت‌های دیگه و حتی در ایالات‌متحده، اگه تمامی فرامین مسیح رو تعلیم نداده باشند، اگه کل کتاب مقدس رو تعلیم نداده باشند، در این‌صورت، مردم فقط بخش‌های خاصی از حقیقت خدا رو می‌چشنند؛ اما ما فراخوانده شدیم که بریم و کل کلام خدا رو بهشون بدیم. فقط عهدجدید رو بهشون نمی‌دیم، فقط یه کتاب نمی‌دیم، بلکه تلاش می‌کنیم که منابع و تفسیرها و راهنمای علم تفسیر و درس‌هایی در زبان اصلی و ترجمه‌ی این چیزها رو بهشون بدیم و اون‌ها رو در دسترس همه‌ی زبان‌های روی زمین بذاریم، تا نسل‌های بعدی؛ اگه خداوند دیرتر برگرده، امیدواریم که این‌طور نباشه؛ اون‌ها این ابزارها و منابع و کتاب‌ها رو داشته باشند تا به تعلیم و تربیت همه‌ی ملت‌ها ادامه بدن تا اون‌ها همه‌ی فرامین مسیح رو حفظ کنند.

حالا این واقعاً به دعوت بزرگ و والاست، همچنین به ما کمک می‌کنه که ماهیت کامل مأموریت بزرگ رو تشخیص بدیم: این که ما فقط فراخوانده نشدیم که بریم و ایماندار بسازیم. فقط فراخوانده نشدیم که بریم و بشارت بدیم؛ ما فراخوانده شدیم که بریم و تعلیم بدیم. باید چی رو تعلیم بدیم؟ کلام خدا رو، چون فقط کلام خداست، نه کلام ما، نه داستان‌های ما، نه توضیحات ما؛ ما فراخوانده شدیم که بریم و کلام خدا رو تعلیم بدیم، چون کلام خدا و کتاب مقدس از الهام خداست و برای تعلیم مفیده.